سجاد صفری / ایران

کسی دیگر لباس اهدا نمی‌کند

مریم طالشی
گزارش نویس

پسر پانزده شانزده‌ساله است، کارگر افغانستانی میوه‌فروش. یک کت نازک پوشیده که به تنش زار می‌زند. زیر کت، یک‌لا پیراهن است و همین. بار را از دست مشتری‌ها می‌گیرد و تا کنار ماشین‌هایشان می‌برد و انعامی کوچک نصیبش می‌شود. هربار که کارش تمام می‌شود، دست‌ها را توی‌جیب می‌کند و دوباره در خودش مچاله می‌شود. هوای سرشب سرد است. آدم‌ها به پسر توجهی نمی‌کنند. انگار نامرئی است. یک پسر پانزده شانزده ساله نامرئی که سردش است. باید لباسی‌برایش تهیه کرد؛ حداقلش یک پلیور گرم.

این زمستان با زمستان‌های قبل فرق دارد، حداقل برای آنها که هر سال چشمشان به این بود که چند دست لباس گرم به دستشان برسد در حالی که خودشان قادر به تهیه‌اش نیستند. اهدای لباس به نیازمندان البته فقط مختص به زمستان نیست اما در فصل سرد یک جورهایی ضرورتش بیشتر حس می‌شود. زمستان امسال اما دست خیریه‌ها هم خالی مانده.

«هرسال این موقع آنقدر لباس به دستمان رسیده بود که گاهی حتی مازادش را می‌فرستادیم شهرستان اما امسال دریغ از یک دست لباس گرم.» این را زهره نجفی می‌گوید، عضو هیأت مدیره یکی از خیریه‌ها که در زمینه جمع‌آوری و اهدای پوشاک هم فعال است. او ادامه می‌دهد: «بدون اغراق می‌توانم بگویم که امسال ما کاهش ۶۰ تا ۷۰ درصدی کمک‌های مردمی را داشته‌ایم، حالا هم در بخش پوشاک و هم بخش‌های دیگر. باورتان نمی‌شود ولی۲، ۳ میلیون تومان پول را به زور جمع می‌کنیم چون مردم خودشان شرایط اقتصادی خوبی ندارند و احساس امنیت مالی نمی‌کنند. حتی وسایل دست دوم را دیگر برای ما نمی‌آورند. قبلاً وسایل دست دوم زیاد به دستمان می‌رسید که به نیازمندان اهدا کنیم اما امسال حتی یک وسیله هم نیامده. طبیعی است دیگر، طرف می‌گوید تا جایی که امکان دارد خودم از آن استفاده می‌کنم. قدرت خرید وسیله نو پایین آمده و پیامدش همین است که دیگر چیزی به دست نیازمندان نمی‌رسد. اهدای پوشاک هم وضعیتش خیلی بد است. من لابی آپارتمان خودمان را به عنوان محل دپوی پوشاک اهدایی قرار داده بودم. هر سال خصوصاً زمستان کلی لباس گرم به دستمان می‌رسید چون ضرورتش هم در فصل سرد بیشتر حس می‌شود. روزهایی بود که از صبح تا شب وقت می‌گذاشتم برای وارسی و جداسازی لباس‌ها. اما امسال به طرز عجیبی هیچ لباسی به دستمان نرسیده. کسانی که مرا می‌شناسند می‌دانند که هر لباسی را قبول نمی‌کنم. یعنی می‌گویم لباس پاره و کهنه را برای ما نیاورید. در واقع لباسی که اهدا می‌شود، لباسی است که صاحب آن هنوز می‌تواند بپوشد و برایش کارآیی دارد منتها چون لباس‌های دیگری خریده و نیازی به لباس قدیمی ندارد، آنها را اهدا می‌کند. الان قیمت پوشاک جوری بالا رفته که مردم می‌گویند همین لباسی را که می‌خواهیم اهدا کنیم، خودمان چند سال دیگر می‌توانیم بپوشیم. ما خانواده‌های تنگدست زیادی را در تهران می‌شناسیم که آبرومند هستند و با توجه به سن و سال بچه‌هایشان همیشه برایشان لباس می‌بردیم و می‌دانم که خیلی هم به آن نیاز دارند. پارسال علاوه بر اینکه به خانواده‌های تحت پوشش خودمان کمک کردیم، لباس اضافی هم آوردیم که بردیم در کوره‌های آجرپزی بین مردم پخش کردیم اما امسال برای خانواده‌های تحت پوشش خودمان هم لباس نداریم. معلوم است دیگر، وقتی مردم می‌بینند یک کاپشن معمولی را باید ۶۰۰، ۷۰۰ هزار تومان بخرند و یک پلیور بافتنی برایشان حداقل ۲۰۰، ۳۰۰ هزار تومان آب می‌خورد، فکر می‌کنند چرا باید لباس قدیمی‌شان را اهدا کنند؟!»

یک دست لباس زمستانی چند درمی‌آید؟ خب بستگی به این دارد که زنانه باشد یا بچگانه و یا مردانه. یا اینکه اصلاً منظور یک دست کامل است یا یک تکه لباس و اینکه قرار است این لباس خارجی باشد یا ایرانی؟ ایرانی باکیفیت یا ایرانی ارزان؟ حالا بگذارید میانگینش را حساب کنیم؛ فرض کنید یک خانواده چهارنفره قصد دارد برای هریک از اعضای خود، یک تکه لباس زمستانی ایرانی نسبتاً خوب تهیه کند. یک کاپشن مردانه چیزی بین ۴۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان قیمت دارد که البته این در مورد جنس ایرانی متوسط است و طبیعی است که بالاتر از اینها هم قیمت‌گذاری می‌شود. برای یک پالتوی زنانه با همین مختصات هم باید چیزی بین ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و نیم هزینه کنید. لباس بچه هم که به لحاظ قیمت دست کمی از پوشاک بزرگسال ندارد. یک کاپشن بچگانه کم کم ۴۰۰، ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد و برای یک شلوار معمولی هم باید همین حدود هزینه کنید. با یک حساب و کتاب ساده می‌بینید که بین ۳ تا ۸ میلیون تومان هزینه تهیه چند تکه لباس گرم برای یک خانواده متوسط است. حالا اینکه کسی بیشتر از این هزینه می‌کند یا نه، آن حرفی دیگر است اما خانواده‌های زیادی هم هستند که به کل قید خرید لباس جدید را می‌زنند.

«مشتری زیاد می‌آید اما خریدار کم است.» این را بوتیک‌داری در یکی از مراکز خرید مرکز شهر می‌گوید که البته حرف دل خیلی‌هاست: «مردم گاهی برای وقت پرکردن می‌آیند پاساژ اما خیلی کم خرید می‌کنند. قدرت خرید مردم خیلی پایین آمده. ما خودمان هم جنس را گران می‌خریم و با اینکه سودمان را پایین می‌آوریم، مشتری نیست. هرسال من خودم چند تکه لباس نو را اهدا می‌کردم برای نیازمندان. می‌گفتم این برای رونق کارم باشد اما دروغ چرا، امسال اصلاً در توان کسی نیست کمک کند. فقط باید یکجوری سر کنیم و دعا کنیم بتوانیم اجاره مغازه را بدهیم.»

برای دانستن آن‌که انگیزه اهدای لباس به نیازمندان تا چه حد پایین آمده، از چند نفری سؤال می‌کنم. خانم عبادی که همیشه از جمله کسانی بوده که لباس‌های اضافی خانواده خودش و فامیل را جمع‌آوری می‌کرده و به خیریه می‌داده، می‌گوید: «امسال اصلاً پرسیدن اینکه لباس اضافی دارید، کار بیهوده‌ای است. هرکس پیش خودش می‌گوید همین‌ها را که دارم نگه دارم که لازمم می‌شود. دختر من هر سال لباس‌هایی که ازشان خسته شده بود، می‌داد بیرون. نوی نو بود لباس‌هایش. امسال می‌گوید اینها همه‌اش مارکدار هستند و اگر بیرون بدهم، دیگر گیر خودم نمی‌آید. حتی یک پوتین خوب داشت که کفه‌اش کمی ورآمده بود، همان را هم داد کفاشی تعمیر کرد که بپوشد چون به قول خودش سه برابرش را باید پول بدهد و جنس بنجل بخرد. همین چند وقت پیش یکی‌از آشناهایم می‌گفت: «یک کیسه بزرگ لباس جمع کرده بودم که بدهم بیرون. بعد هی یادم می‌افتاد که مثلاً فلان شلوار که توی کیسه است هنوز خوب است و می‌رفتم از کیسه درش می‌آوردم. دو روز بعدش دوباره می‌گفتم ای بابا آن پیراهن را هم می‌توانم تابستان بپوشم و هنوز خیلی نو است و می‌رفتم آن را هم از کیسه درمی‌آوردم. بعد از دو هفته دیدم تقریباً تمام لباس‌ها را از کیسه درآورده‌ام و برگردانده‌ام توی کمد.»

این شاید طنزگونه و خنده‌دار به نظر برسد اما در واقع خیلی ناراحت‌کننده است و دارد نشان می‌دهد که مردم دارند محافظه‌کار می‌شوند و روحیه خیرخواهانه‌شان تحت تأثیر این محافظه‌کاری قرار می‌گیرد.»

برای آنها که همیشه چشمشان به این بود که چند تکه لباس جدید به دستشان برسد، این روزها روزهای خوبی نیست. می‌دانند باید این زمستان را بی‌لباسی گرم سپری کنند. با همان‌ها که از قبل مانده و حاصل روزهایی است که قیمت‌ها دود از کله آدم‌ها بلند نمی‌کرد.

> قدرت خرید خیلی‌پایین آمده. ما خودمان هم جنس را گران می‌خریم و با اینکه سودمان را پایین می‌آوریم، مشتری‌نیست. هرسال من خودم چند تکه لباس نو را اهدا می‌کردم برای نیازمندان. می‌گفتم این برای رونق کارم باشد اما دروغ چرا، امسال اصلا در توان کسی نیست کمک کند. فقط باید یکجوری سر کنیم و دعا کنیم بتوانیم اجاره مغازه را بدهیم

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۵۷۸

آسان

۷	۱	۴	۹			۶		۵
				۴	۵	۷	۱	
۸				٦				۴
	۷			۸	۶	۳		
	۳						۷	
		۹	۷	۱			٤	
۱				۷				۳
	۴	۳	۸	۵				
۵		۷			۲	۴	۸	۱

متوسط

		۵	۹			۶		۱
۱		۹						
	۲			۸			۳	
۳		۷	۲					
	۵	۱	۳		٦	۲	۸	
					۸	۵		۳
	۴			۹			۱	
						٤		۵
۲		۶			۵	۳		

سخت

		۷			۵			
۴			۳					۸
		۹	۸				۱	۵
					۱		۲	
۶		۴		۸		۳		۱
	۲		۶					
۷	۳				۶	۸		
۱					۷			۶
			۵			۱		

خیلی سخت

		۴	۷				۳	
				۸				۲
			۲					۵
۴		۷	۸				۹	
		۹		۴		۸		
	۲				۶	۱		۷
۹					۲			
۳				۹				
	۷				۸	۳		

حل جدول سودوکو شماره ۳۵۷۸

آسان

۸	۱	۶	۴	۲	۷	۹	۳	۵
۴	۹	۷	۱	۵	۳	۸	۶	۲
۲	۵	۳	۸	۶	۹	۴	۱	۷
۶	۴	۱	۷	۸	۵	۳	۲	۹
۷	۳	۵	۹	۴	۶	۱	۸	۱
۹	۸	۲	۳	۱	۴	۷	۵	۶
۱	۶	۹	۲	۷	۸	۵	۴	۳
۵	۷	۴	۶	۳	۱	۲	۹	۸
۳	۲	۸	۵	۹	۲	۶	۷	۴

متوسط

۶	۵	۳	۷	۱	۴	۸	۲	۹
۴	۸	۲	۵	۹	۳	۷	۱	۶
۳	۷	۹	۶	۸	۲	۱	۴	۵
۹	۱	۴	۲	۷	۸	۳	۶	۸
۸	۲	۶	۱	۳	۹	۴	۷	۱
۱	۴	۷	۸	۵	۶	۲	۹	۳
۷	۳	۵	۹	۲	۱	۶	۸	۴
۵	۹	۸	۳	۶	۷	۹	۲	۷
۲	۶	۱	۴	۸	۵	۷	۳	۹

سخت

۶	۷	۱	۲	۴	۸	۵	۹	۳
۳	۹	۸	۵	۷	۶	۱	۴	۲
۵	۴	۲	۹	۳	۱	۸	۷	۶
۹	۳	۶	۷	۸	۴	۲	۱	۵
۸	۱	۷	۶	۵	۲	۹	۳	۴
۴	۲	۵	۳	۹	۷	۶	۸	۱
۱	۶	۳	۸	۲	۹	۴	۵	۷
۷	۵	۹	۱	۶	۳	۸	۲	۴
۲	۸	۴	۷	۱	۵	۳	۶	۹

خیلی سخت

۸	۱	۶	۹	۴	۲	۷	۳	۵
۹	۴	۷	۱	۵	۳	۸	۶	۲
۳	۵	۲	۸	۶	۷	۱	۴	۹
۴	۹	۵	۶	۸	۱	۳	۲	۷
۶	۲	۸	۳	۷	۴	۹	۵	۱
۷	۳	۱	۲	۹	۵	۶	۸	۴
۱	۷	۴	۵	۲	۸	۳	۹	۶
۵	۶	۹	۷	۳	۶	۴	۱	۸
۲	۸	۳	۴	۱	۹	۵	۷	۷

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۵۴۴

جدول عادی

افقی:

۱- همراه «قاشق» - دو محصول صادراتی «کامرون»
۲- پادشاه اشکانی - شهر «پل ممیند» - تألیف کننده
۳- داستان بلند - نشان پای آدمی - دوره پس از پایان حمله حادبیماری
۴- نوعی پیچ گوشتی - گربه انگلیسی - حماسه سرای یونان
۵- سرخود - سلام - پوسته‌های سفید رنگ وریزی در موی سر - زینت رو
۶- با «وعده» می‌دهند - سومین ماه میلادی - شیخ، کهنسل
۷- شناسنامه - تغییر نظامی حکومت - دیگ سرگشاد
۸- سرزمینی باستانی در آسیای صغیر - عکس العمل گلر - میوه‌ای از خانواده مرکبات
۹- زین و برگ - حرکت فوتبال - جهت
۱۰- شهری در «ترکیه» - برداشت نوشتاری دانشجویان از گفته‌های استاد - رابط الکتریکی
۱۱- تکبر - ارتباط تلفنی - سخن سنج و بافرهنگ - ویتامین جوانی
۱۲- تالار - کدوتنبل - راننده کشتی
۱۳- امر مشکل - طرز، روش - فریاد
۱۴- اقامت - مساحت قابل سکونت - شایسته
۱۵- بازیگر مرد فیلم «پیشی میشی» (۱۳۹۹) - علم اشکال وابعاد

عمودی:

۱- نظام - ستاره «بارسلونا» که این روزها افت محسوسی کرده است
۲- بهنجار - تشنه نیست - تختگاه
۳- گردنه کوه - محکمه باطنی - نوبت فیلم
۴- خط معروف فارسی - نوشتن کتاب تحقیقی
۵- قلق - پیام آسمانی - همه
۶- دستیار هیتلر - زاپاس - نقاش فرانسوی - شکل لباس
۷- نوعی کف پوش - جمع وسوسه - تظاهر به نیکی
۸- شکر متبلور - شهر پیامبر (ص) - کارزار
۹- گلشن - میوه‌ای ریزو قرمز - خارجی
۱۰- جزء ویدئو - هلهله شادی - دسته و گروه - رود آرام
۱۱- نهال نازک - شهر موسیقی - نفس دردمند
۱۲- ظرف آب مسافرتی - غذایی گوشتی
۱۳- فریاد بلند - طبقه هم کف - آگاه
۱۴- میان برنامه تلویزیونی - وسطی - چوب این درخت در صنایع مبلمان کاربرد ویژه‌ای دارد
۱۵- اثر «جامی» - زیباترین منطقه «سوادکوه»

جدول ویژه

افقی:

۱- تسمه عقب پالان - بنای دیدنی و باستانی «سمنان»
۲- مخفف از او - غذایی کنسروی - گلی درشت و پربرگ
۳- اصطلاحی در چاپ - بی عزت و بی آبرو - گیاهی دارویی
۴- پدربزرگ - واحد سطح - فناوری اطلاعات
۵- حرف عطف - صندوق آهنی - حد و حساب - عدد ورزشی
۶- هوایی با احتمال بارندگی - اثر «شکسپیر» - مرجمک
۷- فهرست اشتها برانگیز - تلفظ «لواش» در ارمنستان - معبر میان کوه
۸- مظهر حیله - خداحافظی خارجی - خطاها
۹- گریزان - بارکش دراز! - دخترخانم
۱۰- قلعه مرکزی - سربازنیروی دریایی - با «گفت» آید
۱۱- عنصر نمک - بی حرکت - زنهاری - لؤلؤ
۱۲- جوان ناکارآزموده - ماه برفی - انس گرفته
۱۳- دریاچه‌ای در «آفریقای جنوبی» - دوچندان - سنگربندی
۱۴- عارضه پوستی - شهرکی در «قزوین» - نوعی تن پوش
۱۵- بازیگر فیلم «جیب بر خیابان جنوبی» - تیم فوتبال «آلمانی»

عمودی:

۱- اثر «لامارتین» - سریالی با هنرنمایی «امین تارخ»
۲- نام خانم «حاجیان» بازیگر - حالات - ناگهانی
۳- در آغاز پیدایش یا فعالیت - منقاش - زمین غیر قابل کشت
۴- خطاط قرن پنجم - کریدور
۵- هنوز انگلیسی - کم کردن - کتاب «امیل زولا»
۶- جنس جنگجو - چاهی در جهنم - پول «بنگلادش» - تولد
۷- همفکر - همیشه بهار - دندان آذری
۸- شهری در استان «کرمان» - یکی از چهار نیروی مهم ارتش - کیفیت و ماندگاری
۹- رئیس جمهوری «لیبریا» - چهره - شبه جزیره اروپا
۱۰- ویتامین کیوی - بهشت گیلان - سنگی شبیه عقیق - نت ششم
۱۱- نان شب مانده - بدان شناخته می‌شویم - خیسی اندک
۱۲- میل ورزشی - معادل پایانه
۱۳- کلمه خطاب - درآمدها و منافع - پول «گرجستان»
۱۴- بخشنده - یار «آفرودیت» - بهترین ورزش
۱۵- مهم‌ترین مسابقات تنیس در سال - فیلم «حسن نجفی»

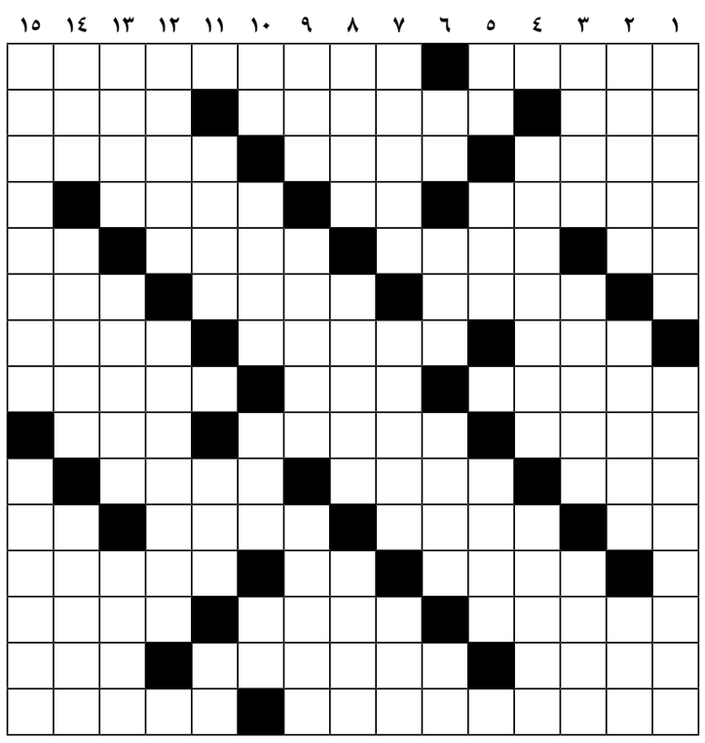

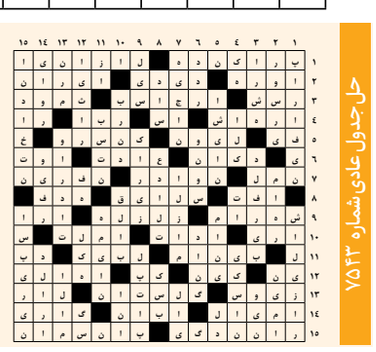
حل جدول عادی شماره ۷۵۴۴

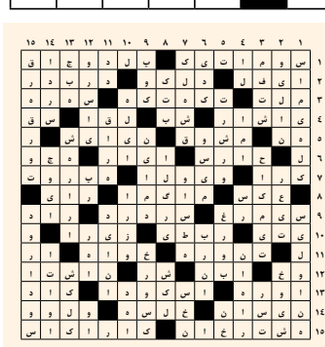
حل جدول ویژه شماره ۷۵۴۳